

نقدی بیگانه با علم و انصاف

○ طاهره صفارزاده

عبارتند از:

۱. تبیین توحید و یگانگی مقام خداوند از طریق شناخت نامها و صفات الهی بویژه آنها که بصورت زوج در قرآن مجید ظاهر شده‌اند و در کنار هم متضاد به نظر می‌رسند، مثل (الْحَيُّ الْقَيُّومُ)، (الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ)، (الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ)... این مجموعه از نامها و صفات، خاص حق تعالی می‌باشد و امکان شباهت بین خالق و مخلوق را مسدود می‌کند، زیرا حتی در جامعه‌ی پیامبران هم «زنده‌ی ابدی» «یگانه و یکتای غالب بر همگان» و «پادشاه پاک و مقدس بدور از هر عیب و نقص» یافت نمی‌شود.

۲. نامهای فوق نیکو، هم مظهر صفات خداوندند، هم در عین حال نمایانگر خواست و اراده‌ی الهی، لذا به لطف آن یگانه صاحب و سرپرست بندگان، برای انسانها مربی و سرمشق مقرر فرموده شده‌اند: خداوند می‌فرماید در برابر تقصیر دیگران عفو و گذشت داشته باشید و بلافاصله برای معرفی مقام عفو می‌فرماید: خداوند آن عفوکننده‌ی قدرتمند است یعنی در عین قدرت بر انتقام، گذشت می‌فرماید. مثال دیگر: و چون حکم صادر کردن بر اساس علم، از سنت‌های الهی است در موضوع تقسیم ارث بین فرزندان، خداوند ذات اقدس خود را علیم حکیم یعنی حکم‌کننده‌ی دانا معرفی می‌فرماید. تا اینکه بندگان از خداوند بیاموزند و جز بر اساس علم و بر پایه‌ی حق حکمی صادر نکنند.

ذکر این نکته ضروری است که نامها و صفات زوج بشرطی با مفهوم واقعی و اصلی شناخته می‌شوند که آنها را بصورت صفات مترادف نبینیم و ترجمه نکنیم و آنگاه برای علیم حکیم بجای «خداوند آن حکم‌کننده‌ی داناست» «خداوند دانا و فرزانه است» یا «خداوند دانا و با حکمت است» ظاهر می‌شود که منظور الهی را مشخص نمی‌کند؛ زیرا موضوع آیه، احکام تقسیم ارث بین فرزندان می‌باشد پس در اینجا موضوع و مفهوم آیه نادیده گرفته شده و صرفاً به معنی عمومی لغت حکیم توجه شده است.

در ترجمه‌ی نامهای زوج، بر اساس اقتضای معنایی متن، یکی برای دیگری باید صفت قرار داده شود تا مفهوم قرآنی در آیه مشخص گردد.

در شماره اخیر «کتاب ماه دین» شخصی به نام آقای دکتر علیرضا هدایی که هویت علمی ایشان بهیچوجه در مقاله‌شان مشهود نیست، با نگرشی تعصب‌آمیز مبنی بر انحصاری بودن ترجمه قرآن مجید به نوشتن نقدی بر کتاب «ترجمه‌ی مفاهیم بنیادی قرآن مجید» اقدام کرده‌اند. نویسنده به جای پرداختن به موضوع اصلی کتاب به عنوان نظریه‌ای مستدل، با مطالبی که آنها را درک نمی‌کنند خصوصت ورزیده‌اند و در این مسیر جزئی‌پردازها و خرده‌گیرهای غیر منطقی عرضه کرده‌اند.

کتاب «ترجمه‌ی مفاهیم بنیادی قرآن مجید» حاوی نظریه‌ای علمی است و طی ۲۴۰ صفحه استدلال اعلام می‌کند که مهمترین کاستی ترجمه‌های قرآن مجید در زبانهای فارسی و انگلیسی نیرداختن به ترجمه اسماء‌الحسنی در رابطه با آیات قرآن است و در این زمینه نمونه‌های متنوع ارائه می‌دهد.

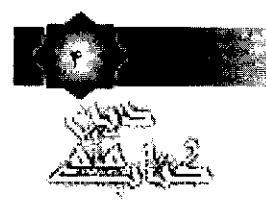
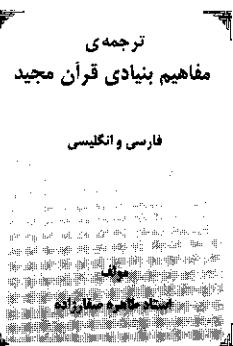
پس شایسته است که ابتدا خلاصه این نظریه علمی برای اطلاع آن دسته از خوانندگان گرامی که دسترسی به کتاب مورد بحث را نداشته‌اند نقل شود تا معیاری به حق، برای داوری در اختیار داشته باشند:

«در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی، اسماء خداوند که حکم مهر و امضای هر آیه را دارند در ارتباط با آیات قرآن مجید ترجمه نشده‌اند در حالیکه تا اهمیت آنها دانسته نشود ارتباط مفاهیم دانسته نخواهد شد.

جاذبه الهی در نامهای فوق نیکوی خداوند به حدی است که می‌توان آنها را از مسلم‌ترین دلایل معجزه به‌شمار آمدن قرآن مجید دانست، در آیه ۱۸۰ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید:

«برای خداوند نامهای فوق نیکو وجود دارد، به وسیله‌ی این نامها به خداوند متوسل شوید و کسانی را که در تحریف نامهای خداوند می‌کوشند، رها سازید؛ آنان بزودی به سزای اعمال خود می‌رسند.»

بندگان خداوند به توسل به نامهای فوق نیکو که تعداد آنها حداقل ۹۹ روایت شده است توصیه شده‌اند. علاوه بر فوائد گوناگون که در روایات آمده، سه مقصد و منظور عالی که عقل محدود این بنده بدانها رهنمون شده



مثال دیگر: در سوره بقره واسع عليم در آیه ۱۱۵ که مربوط به تغییر قیله است و وسعت مالکیت الهی در زمین مطرح می‌باشد چنین ترجمه می‌شود: خداوند آن مُلک گستر دانا به امور خلق و خلقت است؛ در آیه ۲۶۱ که وعده به افزونی مال انفاق کنندگان در راه خدا می‌دهد، واسع عليم، خداوند آن نعمتگستر دانا [به اعمال بندگان] است ترجمه می‌شود و در آیه ۲۴۷ چون یهود بواسطه بی امتیازات و قدرت مالی خود در برابر طالوت که به پادشاهی بر آنان منصوب شده، ابراز تفاخر می‌کنند پیامبرشان به آنها می‌گوید: «اگر طالوت ثروتمند نیست در عوض خداوند به او قدرت علمی و جسمی عنایت فرموده» لذا واسع عليم، «قدرت بخشنده‌ی دانا به امور بندگان» ترجمه می‌شود؛ اما در انگلیسی و فارسی مترجمان بهیچوجه به اختلاف موضوع متن توجه نکرده‌اند و همه جا برای واسع عليم «فراخی بخش» و «گشایشگر» و «گشایش بخشنده» را معادل قرار داده‌اند و مترجمان انگلیسی عموماً واسع عليم را All Pervading, All Knowing, All Embracing ترجمه کرده‌اند یعنی نامها و صفات را جدا از هم، و بدون ارتباط با موضوع آیه تشخیص داده‌اند.

بنابراین آیاتی که به اسماء و صفات الهی ختم می‌شوند ترجمه آنها ناقص و نامفهوم و نا تمام است و خواننده نمی‌داند که از این معادل‌های تحت‌اللفظی قرار است چه چیز درک کند، زیرا بخش عمده‌ای از معنا که انعکاس نورانی نامهای خداوند بر موضوع آیه می‌باشد بکلی حذف شده است.

۳. سومین از سه مقصد عالی که اکثر بندگان و بویژه اهل ذکر برای بهره‌گیری از خواص ذکر و دعا، تنها به آن توجه دارند و دل سپرده‌اند یافتن «سکینه» یا آرامش الهی است که در قرآن مجید وعده فرموده شده ولی همین منظور هم ناموفق خواهد ماند، اگر دو مقصد عالی مذکور شناخته نشوند. وقتی که ذکر نامهای فوق نیکی خداوند همراه با درک معانی و مفاهیم باشد در توسل به شفاعت آنها برای دعاکننده نومیدی راه ندارد. (بخشی از مقدمه ترجمه قرآن حکیم)

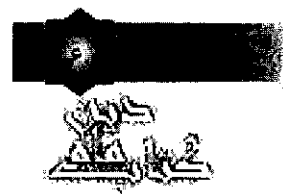
از آنجا که من با شیفتگی و ارادت بی‌حد و حصر یک بنده‌ی خدا در این پژوهش شریف که از الهامات عالی الهی برخوردار بوده عمر صرف کرده‌ام، یقین دارم که به لطف خداوند استدلال‌های مبنائی کتاب «ترجمه‌ی مفاهیم بنیادی قرآن مجید» باب تازه‌ای در کشف معانی و شناخت فرهنگ قرآنی خواهد گشود و در آینده اهل علم امین و مستقل خداجو در پرورش و تکامل این نظریه همّت خواهند گماشت. به این دلیل قصد جوابگویی نداشتم چون رسیدگی به اغراض و جزئیات غیر علمی دیگران نوعی اتلاف وقت محسوب می‌شود اما صاحب‌نظران توصیه کردند که مخاطبان و خوانندگان را از کم و کیف مطلب آگاه سازم، زیرا ممکن است گمان کنند مقاله‌ای که در صفحه اول مجله «دین» درج شده احتمالاً واجد حق و حقایقی است لذا به تعدادی از ایرادهای نویسنده که نشانه بی‌اطلاعی

ایشان از علم ترجمه و زبانهای عربی و انگلیسی است به شرح ذیل پاسخ می‌گویم:

گفته‌اند: «قرآن بیش از هر چیز کتابی است که به زبان عربی نازل شده و آن هم در اوج برای ترجمه قرآن عربی دانستن کافی نیست. بلکه این کار تسلط نام به زبان عربی کلاسیک و نه معاصر و نیز تسلط بر چند دانش اسلامی را می‌طلبد چیزی که در سالهای اخیر کاملاً از یاد برده شده و نامتخصصانی چند صرفاً به دلیل آشنایی با زبان عربی به ترجمه قرآن دست زده‌اند.»

اینکه مترجمان سالهای اخیر همه نامتخصص نامیده شده‌اند نباید توهین تلقی شود چونکه نویسنده به گواهی اثرشان از تخصص خاصی برخوردار نیستند و عربی کلاسیک لفاظی است برای اینکه خود را صاحب دانشهای حوزوی از قبیل فقه و اصول و حدیث و غیره معرفی کنند. پس اگر کسی عربی می‌داند آیا نمی‌تواند در اثر مطالعه به آن دانشها در حدی که برگردان آنها در ترجمه لازم است دسترسی پیدا کند؟ و آیا در ترجمه‌های کتاب مورد بحث نقاطی وجود دارد که لغزشی در فهم دانستیهای فقهی ایجاد کرده است؟ اگر اشکال فقهی ملاحظه کرده‌اند چرا اشاره نکرده‌اند؟ وانگهی آیا کم هستند کسانی که عربی بقول ایشان «کلاسیک» می‌دانند و ترجمه تحت‌اللفظی آنها هیچ خدمتی به درک کلام الهی برای خوانندگان نکرده است؟ و آیا این نامتخصصان که از سر ارادت به قرآن مجید و با دانش عربی و فارسی و انگلیسی برای کمک به هم‌نوعان به لطف خداوند متوسل شده و قصد خدمت داشته‌اند سزاوار عربی کلاسیک دانها شده‌اند و زور و قدرتی داشته‌اند که آنها را از اقدام به این خدمت نیکو باز دارند؟ حدود ۱۲ قرن بعد از ترجمه تفسیر طبری فرصت وجود داشته تا اهل دانش اسلامی صدها ترجمه رسا و گویا به زبان فارسی و دهها ترجمه به زبانهای خارجی تقدیم جامعه بشری کنند و اجر خود را از خداوند بطلبند چونکه خداوند قرآن را جهت هدایت جامعه بشری در سراسر خلقت نازل فرموده است ولی حتی امروز که به برکت انقلاب اسلامی قرآن خوانی رونق گرفته اگر آمار گرفته شود به لحاظ همین حجابهای اندیشگی و ترجمه‌های تحت‌اللفظی که بر فهم قرآن تحمیل شده بیش از ۹۰ درصد مردم مسلمان کشور ما کتاب زندگی و دین خود را نمی‌دانند و همچنان بمانند اجداد و پیشینیان خویش به روخوانی قرآن در ماه رمضان بسنده می‌کنند. اساساً در قدیم به همان دلایل، عادت ترجمه‌خوانی قرآن مجید در بین مسلمانان ایجاد نشده بود و مؤمنان نسلهای پیشین اصول و فروع دین خود را از مواظب و منابر و مساجد می‌آموختند و سوادآموختگان نسلهای بعد از کتاب شریعت مدارس بهره می‌بردند اما نور و رحمت قرآن مجید محدود به آن اصول نمی‌شود و مفاهیم انسان‌ساز آن باید از طریق ترجمه‌های سلیس و روان و متکی به مطالعه تفاسیر و شناخت شان نزول‌ها برای خوانندگان فراهم گردد. دانستن زبانهای مبدا و مقصد و داشتن فوق نویسندگی و بالاتر از همه اتکاء به هدایت الهی در فراهم آمدن اثر از لوازم بدیهی است. برخی ترجمه‌هایی که از اهل دانش اسلامی موجود است آنچه‌چنان تحت‌اللفظی، فاقد اصول نگارش، بی‌نصیب از علم ترجمه و محروم از سادگی بیان است که رغبت خواننده را سرکوب می‌کند. ترجمه مرحوم





قمشه‌ای تا حدی سرآغاز ترجمه‌های قابل فهم مطلب است ولی کمتر از پنجاه سال عمر دارد و کوشش‌های بعدی که بقول نویسنده مقاله «تامتخصمان اخیراً بعمل آورده‌اند» هر یک به نوعی در جهت رهایی پیام الهی از قید نامفهوم بودن است و سؤال این است که اساساً چه موانعی وجود داشته که در امّ القرای اسلام و به همت اهل دانش اسلامی به مانند سرزمینهای مسیحی کوشش در امر ترجمه کتاب دین برای همگان صورت نگرفته است؟ آمار نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۷۹ میلادی حدود صد مرکز تنها در آمریکا برای ترجمه انجیل تاسیس شده و فعالیت گسترده داشته که قطعاً تاکنون بر تعداد آنها افزوده شده است.

منتقد محترم که مترجم را به ریشه‌یابی علل عدم سوادآموزی قرآنی فرا خوانده‌اند ناچار باید گوش شنوایی هم برای پاسخ مثبت و منطقی داشته باشند در این زمینه گفتنی بسیار است اما شخصاً اینگونه بررسی‌های تاریخی را لازم نمی‌دانستم و به عنوان یک معلم ترجمه و پژوهشگر به ذکر این مطلب بسنده کرده بودم که اشکالاتی در ترجمه‌ها به شکل بنیادی وجود دارد و چگونگی رفع آنها نیز به صورت پیشنهاد ارائه شده بود.

گفته‌اند: «آنچه اسماء الهی خوانده می‌شود در زبان عربی صفت است و نخستین بار است که می‌شنویم صفتی صفت دیگر قرار گیرد.» اولاً ایشان حرفی روی حرف خداوند زده‌اند. باری تعالی می‌فرماید اسماءُ الحُسنى پس در اسم بودن آنها شکی نیست اما گروهی از این اسماء صفت مشبّه هستند و در تعریف صفت مشبّه آمده است، اسمی که بر صفتی ثابت و پایدار دلالت کند مثل رحیم بر وزن فعیل؛ برخی هم صیغه مبالغه‌اند که در آنها صفت پایدار از کثرت برخوردار است مثل غفار بر وزن فعال.

ایشان که متأسفانه از عربی غیر کلاسیک هم اطلاع کافی ندارند در همین رابطه در جای دیگر گفته‌اند: «حکیم نه در لغت و نه در قرآن مطلقاً در معانی یاد شده بکار نرفته.» نظرشان به مفهوم حکم‌دهنده است در علیم حکیم. شکر برای دقتی که خداوند مَنان نصیب فرمود یعنی آن ذات قادری که می‌فرماید عَلِمَ الْإِنْسَانُ مَا لَمْ يَلْمَعُ به این بنده کوچک خود نیز از طریق این نمونه تعلیم فرموده که حکیم بر اساس موضوع متن در برخی آیات حکم‌کننده، در برخی داور، در برخی دیگر منشأ حکمت معنی می‌دهد پس در آیه‌ای که قرآن فرموده ذَالِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ بِحُكْمٍ يُبَيِّنُكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ، چون مصدر و فعل «حکم» هر دو را اراده فرموده آیا از این قاعده «حکم‌کننده» نمی‌توان استخراج کرد؟

باز هم از اعجاز عربی‌دانی ایشان است که گفته‌اند: «بجای Ar-Rahmān باید در انگلیسی نوشته شود Al-Rahmān.» (ر) از حروف شمسی است و باید مَشْدَدٌ تَلْفُظٌ شود، چرا با یک استنباط نادرست الرَّحْمَانُ که اسم خاص است با تلفظ غلط خوانده شود آل رحمان؟ ایشان گفته‌اند: «فهم کامل قرآن از دسترس عموم خارج است.» اگر چه معرفت به بطون کلام الهی نزد اولیاء الهی است، اما دانش قرآن باید در اختیار عموم باشد ولی این نوع برداشت‌ها و قرآن‌دانی را به گذار از چند مرحله طولانی مقید کردن از جمله سنگ‌اندازی‌هایی است که دانسته و ندانسته بر سر راه فهم عموم که به اندازه حق حیات، حق شناخت

کتاب دین خود را دارند اعمال شده است. اینجانب چنانکه در مقدمه کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» گفته‌ام، با دویست نفر از مسلمانان بالای سن ۳۰ و اهل نماز و روزه و حج مصاحبه بعمل آوردم هیچکدام قرآن را با معنی نخوانده بودند و به روخوانی در ماه مبارک رمضان بسنده کرده بودند. آیا این امر دسیسه خارجی‌ها باید محسوب شود یا کاهلی و سهل‌انگاری داخلی‌ها؟

حدود سه قرن ترجمه قرآن مورد تحریم بوده اما پس از ترجمه تفسیر طبری بدستور منصور بن نوح سامانی تفسیرهای متعدد و جامعی توسط دانشمندان مسلمان برشته تحریر درآمده که همانطور که منتقد محترم نظر دارد مطالعه آنها برای خواص است، زیرا دانش عربی حتی برای مطالعه‌ی تفسیرهای ترجمه شده که عموماً سرشار از اشارات و لغات قرآنی است نزد همگان موجود نمی‌باشد و از لحاظ قیمت هم تهیه تفسیرهای متجاوز از بیست جلد برای اکثر مردم میسر نیست لذا اجداد ما هم کتاب خدا را نخوانده از دنیا رفته‌اند. پس اگر ثروت برای ثروتمندان و قرآن هم برای خواص باشد، جایگاه حق حیات مادی و معنوی مردم نادیده گرفته شده درحالی‌که خداوند رحمان قرآن و دیگر نعمتها را برای عموم انسانها نازل فرموده است.

گفته‌اند: «مترجم یادآوری کرده که بر کلمه «پدر» جمع بسته نمی‌شود و «پدران» درست نیست.» و اضافه کرده‌اند اتفاقاً پدر جمع بسته می‌شود چه در زبان فارسی و چه عربی و از جمله در خود همین سوره نساء آیه ۱۱. منتقد از شدت شتابزدگی در ابراز معلومات «آباؤکم» را با «ابویه» در بخش اول آیه اشتباه گرفته‌اند. بله، ابویه یعنی پدر و مادر در آن بخش از آیه که می‌فرماید: «و سهیم هر یک از پدر و مادر متوفی ۱۶ میراث است.» اما بعد از حکم تقسیم ارث، خداوند می‌فرماید [با این نحوه تقسیم] شما نمی‌دانید که پدر شما یا پسرانان کدامیک برای شما مفیدترند، یعنی تنها خداوند مصلحت‌بندگان را می‌داند. انسان معمولاً یک پدر دارد و آباؤکم هم در این آیه منظور اجداد و نیاکان نیست زیرا بدیهی است که انسان برای اجدادش که از دنیا رفته‌اند سهمی از ارث منظور نمی‌کند. خواننده از همین اظهار نظر متوجه می‌شود که منتقد حتی از دانش فقه اسلامی که داشتن بیش از یک پدر را غیر شرعی اعلام کرده، بی‌بهره‌اند.

گفته‌اند: «در ترجمه نعمت بخشنده رحمن را ایشان صیغه‌ی مبالغه تلقی کرده‌اند در حالیکه رحمن صفت مشبّه است.» کجای نعمت‌بخشنده معنی مبالغه دارد؟ نکند ایشان جای صفت مشبّه و صیغه مبالغه را عوضی گرفته‌اند. بله بنده گفته‌ام: «نعمت‌بخشنده در ترجمه رحمن جامع‌تر از بخشنده است.» آیا در درک و ذکر این حقیقت که خداوند انسانها را چه مؤمن و چه کافر از نعمات خود بهره‌مند فرموده غیر حق است؟

گفته‌اند: «رحم به معنای رقت قلب و یک احساس بشری است و اطلاق آن بر خداوند غلط است.»

در صورتیکه آیات ۲۳ اعراف ۴۷ هود، و ۴۶ نمل مرجع معنای رحم و ترحم باری تعالی هستند وانگهی بر اساس این برداشت، مشکل منتقد در ترجمه سمیع بصیر باید چند برابر باشد زیرا شنوایی و بینایی بترتیب از

خواص گوش و چشم است و هر دو از قوای انسانی محسوب می‌شوند. اما اهل بینش می‌دانند که به قدرت علم واسعه الهی، همه این قدرتها فارغ از اعضاء جسمانی یعنی قلب و گوش و چشم نزد باری تعالی موجودند. حالا چند کلمه‌ای هم در باب معلومات انگلیسی نویسنده:

گفته‌اند: «the Decree درست نیست باید All بجای the باشد.» در شناخت حرف تعریف the باید بدانند که the در زبان انگلیسی همیشه علامت معرفه نیست در بسیاری جاها علامت تخصیص، اهمیت و معادل Supreme است. وقتی گفته می‌شود Mr. Harris is the scholar در اینجا the می‌رساند که آقای هریس دانشمندی شاخص و بی‌بدیل است.

گفته‌اند: «برای نقل قول بجای کولون (:): باید کاما گذارده شود.» نزد هر مبتدی زبان انگلیسی این موضوع روشن است که در نقل قول قبل از گیومه کولون یا دونقطه گذارده می‌شود.

آخرین اظهار نظر شگفت‌انگیز منتقد درباره Verse است. گفته‌اند: «در کدام ترجمه انگلیسی به جای Verse آیه بکار رفته؟» و برای نفی کاربرد Verse حدود سه چهارم ستون مجله را بکار گرفته‌اند در حالیکه در تمام ترجمه‌های انگلیسی تا امروز همه جا Verse معادل آیه قرار داده شده و چون قرآن مجید شاعری پیامبر و ارتباط کلام الهی را با شعر نفی فرموده من Words of Revelation را معادل «آیه» قرار داده‌ام.

گفته‌اند: «مراجعه به ترجمه‌های انگلیسی پیشنهادی نویسنده به وضوح ترجمه‌ها مغایر معنای ایشان را نشان می‌دهد مثلاً ان الله كان علیماً حکیماً را Allah is the knowing Decree ترجمه کرده‌اند: عدم توجه به ترکیب کان الله که استمرار را می‌رساند به فعل is درست نیست.» جانب است که منتقد هر عیبی را که مطرح می‌کنند راه اصلاح را نشان نمی‌دهند چونکه اساس حرفشان ناقص است و این معضل از آنجا ناشی می‌شود که مطالب را فارغ از ادراک معنی و با اتکاء به محفوظات خود و ریز نحوی می‌بینند؛ ضعف زباندانی هم گرفتاری دیگری است. ایشان نمی‌دانند که the Knowing یا the Knower یعنی دانای مافوق، دانای اصلی؛ استمرار و ابدیت و اختصاص در این اسم است و فعل is جزئی است از جمله در خدمت معنا چنانکه کان جزئی است از جمله در خدمت معنای کان الله علیماً حکیماً.

گفته‌اند: «کاربرد Allah در ترجمه انگلیسی در برابر ا بی‌مورد است چونکه ال علامت معرفه و جزو نام مبارک الله نیست، اگر ایشان به ساختار واژه الله دقت می‌کردند در می‌یافتند که God در انگلیسی همان الله عربی است.»

اولاً الله نامی است که خداوند در قرآن مجید برای ذات اقدس خود اراده فرموده، حتی اگر بقول برخی مفسران و واژه‌شناسان اجزاء آن مرکب از آل بعلوّه ال باشد باز مجموع آن اسم خاص است. ثانیاً اینجانب در ترجمه انگلیسی «قرآن حکیم» کلیه اسمهای انجیلی را به قرآنی تبدیل کرده‌ام یعنی یعقوب جایگزین جاکوب شده و یوسف هم زوزف خوانده نمی‌شود.

چند یادآوری:

در مقدمه با لحنی ارفاق‌آمیز گفته‌اند: «ترجمه و قرآن هر دو مورد توجه اینجانبند.»

درباره ترجمه سختی به دور از حقیقت است و اطلاعاتی از این علم ندارند: اولین درس ترجمه وظیفه مترجم را سعی در رساندن پیام متن معین کرده است ولی توجه تام به جزئیات و اعتقاد شدید به تحت‌اللفظی یا کلمه در برابر کلمه برای منتقد محترم اصلی مهم بشمار می‌رود در حالیکه امروز علم ترجمه این استنباط کهنه و بی‌اساس و مضر را که در ترجمه‌های اولیه انجیل و بمنظور حفظ قداسات کلام کاربرد داشته مردود می‌شمارد. در مورد توجهشان به قرآن، باز هم حقیقت را ذکر نکرده‌اند احترام به امر و حکم الهی نشان‌دهنده شناخت منطق الهی است و این منطق نزد ایشان ناشناخته مانده است زیرا خداوند می‌فرماید: «قرآن برای هدایت کل جامعه بشری نازل فرموده شده و نیز خداوند به تدبیر در آیات توصیه می‌فرماید و لذا برای سهولت در اجرای دو حکم فوق می‌فرماید و لَقَدْ يَسْرِنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ «ما قرآن را برای پندآموزی انسانها با زبان ساده بیان فرمودیم.» تأیید این عزم الهی با تکرار آیات ۱۷، ۲۳، ۳۲، ۴۰ در سوره مبارکه قمر حکم را واجب معرفی فرموده: آیا ترجمه‌های تحت‌اللفظی فاقد توجه به معنا و مفهوم که از لحاظ ساختار نحوی هم، نوعی عکسبرداری از متن عربی را نشان می‌دهند راهی به درک کلام الهی می‌گشایند؟

و باز دست آخر با لحنی ناصحانه بر غرض و نیت اصلی نگارش نقد، بطور خلاصه اینگونه تأکید کرده‌اند: نامتخصصان هر چند بزرگان علم و ادب باشند نباید به ترجمه قرآن که نیاز به عربی کلاسیک دارد بپردازند. منتقد محترم بجای احساس خوشنودی از اینکه به لطف خداوند توفیق رفع برخی مشکلات ترجمه قرآن مجید نصیب یک پژوهشگر هموطن شده آنچنان در حصار انحصارطلبی بخل‌آمیز و محظور خوش‌آمدگویی به همفکرانشان واقع شده‌اند که از تفکر درباره اعلام استقلال رای الهی در آیه يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ بی‌بهره مانده‌اند و نیز در نظر نداشته‌اند که در آیه مبارکه وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ هشدار بزرگی است که انسان را از اظهار نظر درباره آنچه بدان علم ندارد برحذر می‌فرماید.

پی‌نوشتها:

۱. ۱۴۹: ۴
۲. ۱۱: ۴
۳. ۱۰: ۶۰
۴. ۸۷ و ۶۷: ۳۸
۵. ۶۸: ۲۳
۶. ۱۷: ۵۴
۷. ۱۰۵: ۲
۸. ۳۶: ۱۷

